

قشم کلکسیون از طبیعت

میراث ایرانی

توضیح: «میراث ایرانی» عنوان بخش جدیدی است که تلاش دارد از این پس در هر شماره از ماهنامه به معرفی یا بررسی وضعیت مواریت فرهنگی ایران - اعم از تاریخی، طبیعی و معنوی - بپردازد. امید است که این بخش بتواند هم اطلاعات مناسبی را در اختیار دوستداران میراث ایرانی قرار دهد و هم بتواند نقشی هرچند کوچک در پاسداشت این مواریت ارزشمند ایفا کند.

----- نخستین ژئوپارک کشور -----

براساس تعریف فوق از ژئوپارک و براساس ارزیابی به عمل آمده از بخش غربی جزیره قشم و با توجه به وجود پدیده‌های بارز زمین‌شناسی مانند گنبد نمک، غارهای نمک، چشمه‌های گوگردی، دره‌های شگفت‌انگیز و باتوجه به قرار گرفتن ۲۵ کیلومتر ساحل بکر و زیبا در بخش جنوبی منطقه و همچنین باتوجه به چشم‌اندازهای زیبا و بیکران و حیات وحش فراوان در این محدوده، جای تردید باقی نمی‌ماند که بهترین روش ممکن و مناسب‌ترین عنوان برای حفاظت و بهره‌برداری از این منطقه همانا عنوان جهانی «ژئوپارک» است که با تعریف دقیق یونسکو مشخص شده است.

دشت‌ها، دره‌ها، سواحل و کوه‌های جزیره قشم وضعیتی یگانه و کم‌نظیر از نظر پوشش گیاهی، حضور حیات وحش و وجود پدیده‌های نادر زمین‌شناسی دارند. بخش غربی جزیره قشم از بیشترین زیستگاه‌های با ارزش برخوردار است و پدیده‌های زمین‌شناسی بسیار زیبا، بی‌نظیر و عظیم در این بخش جزیره به وفور دیده می‌شود. در این بخش از جزیره علاوه بر گونه‌های گیاهی و جانوری زیبا، کمیاب و در خطر انقراض که در سطح ملی و همچنین جهانی از ارزش بسیاری برخوردارند، پدیده‌های زمین‌شناسی نادر و بی‌مانندی نیز وجود دارد که هریک به تنهایی از جذابیت و زیبایی خاصی برخوردار است.

در سواحل جنوبی بخش غربی جزیره از بندر ماهیگیری سلخ تا روستای کانی - یعنی در فاصله

مجسمه‌های طبیعی و نقش برجسته‌های پراکنده، چین‌خوردگی‌ها و کوه‌های شگفت‌آور، سطوح تخت و صفاها در ارتفاعات، ستون‌های حاصل از عوامل فرسایش، برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های به‌وجود آمده از هوازدگی، مخروط افکنه‌ها و قطعه‌های فروافتاده در پای ارتفاعات، کوهسرها و هیکل‌هایی که دست هنرمند طبیعت به تازیهانه باد و باران پدید آورده، تندیس‌های اعجاب‌آور در شکل‌های مختلف همچون لاک‌پشت، سگ، مارمولک، اسب آبی و یا حتی چهره آدمی در حالت خشم و فریاد و... همه و همه بخشی از طبیعت مسحورکننده قشم هستند و از میراث کم‌نظیر این جزیره به‌شمار می‌روند.

در بین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو، ایران تنها کشوری است که نسبت به راه اندازی ژئوپارک در جزیره زیبای قشم اقدام کرده است. طبق تعریف مصوبی که یونسکو از ژئوپارک ارائه کرده است، "ژئوپارک منطقه‌ای است با وسعت کافی که مرزهای آن به وضوح مشخص شده و چندین پدیده بارز زمین‌شناسی در محدوده آن قرار گرفته باشد. این محدوده باید بتواند در توسعه اقتصادی جوامع پیرامون خود نقش مؤثری ایفا نماید. ژئوپارک ممکن است علاوه بر پدیده‌های زمین‌شناسی از آثار تاریخی، بوم‌شناسی، باستان‌شناسی و میراث فرهنگی و طبیعی دیگر برخوردار باشد."

اگر تا کنون به هر دلیلی موفق به بازدید از جزیره قشم نشده اید، شک نکنید که از دیدن یکی از زیباترین و منحصر بفردترین مناطق ایران و همچنین بازدید از مجموعه ای از میراث طبیعی و تاریخی ارزشمند کشور - یا حتی جهان - محروم مانده اید!

قشم با وسعت (حدودی) ۱۵۰۰ کیلومتری خود، نه تنها بزرگترین جزیره خلیج فارس محسوب می‌شود، بلکه وسعت آن از ۲۳ کشور جهان بیشتر بوده که برای مثال حدود یک و نیم برابر هنگ کنگ، دو و نیم برابر کشورهای نظیر بحرین، سنگاپور و سن مارینو، پنج برابر مالدیو و هفتاد برابر ماکائو است.

مطمئن باشید آنقدر جاذبه‌های طبیعی و تاریخی در این جزیره هست که اگر تمام تعطیلات نوروزی خود را نیز در قشم بگذرانید، باز هم میراث ارزشمندی باقی خواهد ماند که برای سفر بعدی خود به این جزیره همچنان مشتاق باشید.

م. مشیرپور نژاد

rainyisir@gmail.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله مطالعات علوم انسانی



اعتمادالسلطنه در مرآه البلدان می‌نویسد: «جزیره‌ی قشم یا کیش که آن را باسعیدو (نام خور و بندری در بن غربی جزیره) هم می‌گویند. چون شبیه به ترکش، یعنی جعبه‌ی تیراست. آن را به فارسی کیش گفته‌اند»

در لغت‌نامه دهخدا معانی مختلفی برای واژه قشم ذکر شده است که در میان معانی ارائه شده، «طبیعت» به خاطر زیبایی‌های طبیعی، خدادادی و بهشت‌گونه جزیره قشم و نیز «آبراهه» به سبب وجود مسیل و آبراهه‌های بسیار که بر اثر ریزش باران‌های سیل‌آسا و کوتاه مدت و یا در نتیجه دخالت انسان‌ها در جزیره به وجود آمده است، بیشتر مناسب جزیره قشم امروزی است.

----- مشخصات جزیره قشم -----

طول جزیره قشم از بندر قشم تا بندر باسعیدو در انتهای جزیره را در منابع مختلف بین ۱۰۰ تا ۱۳۰ کیلومتر تخمین زده‌اند که بیشتر روی طول ۱۱۵ و ۱۲۰ کیلومتر تکیه شده است. عرض جزیره، در نقاط مختلف متفاوت بوده و به‌طور متوسط دارای سه عرض کم (بین طبل و سلخ)، زیاد (بین لافت کهنه و شیب دراز) و متوسط (در منطقه اسکان) است. با این وجود، عرض متوسط جزیره قشم را می‌توان ۱۱ کیلومتر در نظر گرفت.

جاذبه‌های کم‌نظیر این خطه به شمار می‌رود. با توجه به غنای طبیعی و قابلیت‌های تنوع زیستی جزیره و به‌ویژه بخش غربی آن است که نسبت به حفاظت این بخش اقدام جدی به‌عمل آمد و نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر مربع از آن برای یک منطقه حفاظت‌شده با عنوان «ژئوپارک» در نظر گرفته شد.

----- وجه تسمیه قشم -----

قشم نام امروزی جزیره و نام شهر بندری جزیره‌ای در آب‌های خلیج فارس است. این جزیره در منابع اسلامی، تا حدود سده دهم هجری، به نام‌های دیگری مانند کاوان یا بنی‌کاوان و لافت شهرت داشته است که این نامها در کتبی نظیر مروج الذهب، حدود العالم و نخبه الدهر قید شده است. از دوره صفوی به این سو، از این جزیره با نام «قِشَم»، یا به گویش سواحل‌نشینان «کِشَم» یاد کرده‌اند. در میان عرب‌های منطقه، این جزیره به نام «جزیره الطویله» و در میان فارس‌ها به نام «جزیره‌ی دراز» معروف بوده است. برخی کیش را که اکنون نام جزیره دیگری در خلیج فارس است و آن را قیس می‌نامیدند، نام جزیره قشم دانسته‌اند و گفته‌اند چون شکل این جزیره شبیه تَرکَش (یا تیردان) است آن را کیش که به این معناست، خوانده‌اند.

سی‌کیلومتر از ساحل جزیره - روستا، مزرعه و هیچ نوع تمرکز و تجمع انسانی وجود ندارد. در بخش غربی جزیره حضور انسان و فعالیت‌های دامداری و کشاورزی از زمان‌های قدیم بسیار ناچیز بوده و در حال حاضر نیز قابل توجه نیست. در این بخش از جزیره پدیده‌های طبیعی منحصر بفردی وجود دارد که برخی از آنها عبارت است از:

- جنگل‌های حرا
- گنبد نمک
- غارهای نمک
- چشمه‌های آب معدنی
- تنگه چاهکو
- تنگ عالی
- بام قشم
- دره تندیس‌ها
- کلات کشتاران
- ده‌ها تخته سنگ و صخره با شکل‌های عجیب و غریب
- ...

نظیر این جاذبه‌ها در دیگر قاره‌ها و در بیابان‌هایی که توسعه شهری کمتری دارند ممکن است به چشم آید، اما در غالب موارد دسترسی گردشگران به آنها دشوار است. کوه‌ها و دره‌های قشم به عنوان بازمانده دوران گذشته زمین‌شناختی به راحتی قابل دسترس و تماشا است و این یکی از



Photo by Behzad Torkizadeh

----- تاریخ قشم -----

آنچه که امروز به عنوان جزیره قشم محسوب می شود، بی شک در دوران پیش از تاریخ زیر آبهای خلیج فارس قرار داشته است و بر اثر فروکش کردن سطح آب، این بخشهای برآمده بصورت جزیره فعلی درآمده اند.

جزیره قشم به خاطر قرار داشتن در تنگه هرمز و همجواری با جزیره های هرمز، لارک، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از دورترین اعصار تاریخ تا به امروز از یک موقعیت جغرافیایی ویژه برخوردار بوده و اهمیت استراتژیکی دیده بان و دروازه بانی در خلیج فارس داشته است.

نکته قابل توجه این است که در تاریخ جوامع انسانی این منطقه، جزیره قشم پیوسته جایگاه ویژه ای از نظر نظامی و ژئوپلیتیک هر عصر داشته است و قدرت های دریایی در بیشتر دوره های تاریخی در پی استفاده از ژئواستراتژی ویژه این جزیره بوده اند. به شهادت ژئولوژی و سنگواره های کشف شده در سواحل ایران، آغاز زندگی در خلیج فارس به حدود ۴۰۰ هزار سال قبل بازمی گردد. وسایل اولیه زندگی انسان، که ساخته و پرداخته از سنگ و مربوط به دوران پس از سنگ است، در بوشهر یافت شده است. حتی از دوره چوب و صدف که انسان اولیه ابزار تنازع بقای خود را از این دو وسیله می ساخته (قبل از دوران سنگ) نیز در سواحل خلیج فارس شواهد و قرآنی به جای مانده است. در این دوران است که انسان اولیه از آرام ترین آبراه - یعنی تنگه خوران امروزی - عبور می کند و خود را به طبیعت غنی و امن قشم می رساند که دارای شکارگاه های بکر و آب شیرین بوده است. زیستگاه های کوچک و منفرد اولیه در این جزیره به تدریج شکل گرفته و کم کم تبدیل به اجتماعات انسانی شده است.

در کلیه دوره های تاریخی، ژئواستراتژی قشم به دلیل گسترده بودن جزیره و محصور بودن به وسیله مانع طبیعی آب، به مردمان ساکن در جزیره قشم کمک کرده است که

در مقابل تهاجم سایر گروه های انسانی پایداری کنند. طبق مستندات موجود تاریخی، در دوره هایی نظیر کیانیان، درآویدها، عیلامی ها، سومریان، آشوری ها و مادها، همواره این جزیره مورد توجه اقوام حاکم بوده است که این موضوع در کتیبه آشوری مربوط به سال ۲۸۷۲ قبل از میلاد در شرح کارهای سارگن کبیر منعکس شده است.

هخامنشیان، سلوکیان و ساسانیان نیز همواره در دوران زمامداری خود، از موقعیت استراتژیک این جزیره استفاده نموده اند؛ به نحوی که این جزیره در دوره هخامنشیان، یک مرکز بزرگ کشتی سازی بوده و برای بسیاری از سفرهای دریایی مهم، این جزیره بعنوان مبدأ حرکت محسوب می شده است.

با وجود آنکه در سال ۶۴۰ میلادی خوزستان به تصرف نیروهای اسلام درآمد، اما در دریا فرمانده ناوگان اسلام عملاً از نیروی دریایی ساسانیان شکست خورد. در نتیجه، زرتشتیانی که به دین اسلام گردن نمی نهادند اکثراً به جزیره قشم پناهنده شدند و جزیره قشم مکانی امن برای زرتشتیان پناهنده شد و آنها بیشتر از یک قرن توانستند در مقابل لشکریان اسلام (که نیروی دریایی نیز تدارک دیده بود)، با استفاده از ژئواستراتژی ویژه جزیره قشم مقاومت نمایند؛ تا آنکه کم کم در قشم کشتی ساختند و گروه گروه به گجرات هندوستان مهاجرت نمودند. آثار و آتشکده های متعدد زرتشتی به جای مانده در قشم نشان از همین دوره تاریخی است. پس از آنکه جزیره قشم توسط لشکریان اسلام فتح شد، در یانوردان قشم یا مهاجرت نمودند و یا به دین اسلام درآمدند. اما قشم همچنان اهمیت خود را در کنترل تنگه هرمز حفظ نمود.

بررسی وضعیت قشم در دوره های پس از اسلام نیز حکایت از اهمیت خاص این منطقه داشته است و به تناوب اقوامی نظیر هرمزی ها، مغول، پرتغالی ها (قرن ۱۶ میلادی)، صفویه، افشاریه، زندیه، جواسم، قاجاریه و پهلوی از موقعیت خاص این جزیره بهره برده اند.

----- آثار تاریخی جزیره قشم -----

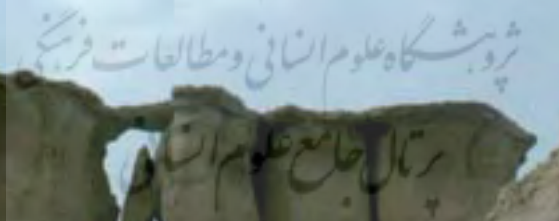
جزیره قشم به علت موقعیت ویژه ای که دارد، از معدود مناطق جهان است که محل تلاقی فرهنگ های کهن ایرانی، آفریقایی، عربی و اروپایی بوده و به همین دلیل در طول تاریخ دستخوش رخدادهای فراوان و شاهد آمد و رفت اقوام و مللی چون عیلامی ها، مادها، یونانی ها، زرتشتیان، پرتغالی ها، اسپانیایی ها و انگلیسی ها بوده است که آثار و سابقه فرهنگی هریک از این اقوام در جای جای جزیره باقی مانده است. شاید اگر عوامل طبیعی فرسایش به این شدت در جزیره قشم عمل نمی کرد و موجب تخریب شدید نمی شد، امروزه چند برابر آنچه از گذشته ها برجای مانده است، موجود می بود و جزیره را تبدیل به موزه ای با قابلیت های فراوان برای مطالعات تاریخی و مردم شناسی می کرد.

به هر روی، آنچه باقی مانده است نیز قابلیت های فراوان برای مطالعات تاریخی و مردم شناسی دارد که در این بخش به سه نمونه از آنها اشاره می شود:

• غارهای تاریخی خربس

روستای بزرگ خوربیز یا خربس (خربز) اکنون کاملاً ویران شده و جز کلاته گورستان و برکه ای از آن باقی نمانده است. این روستا حداقل تا زمان ساسانیان (۱۴۰۰ سال قبل) مکانی آباد و محل تردد سیاحان و کشتی بانان بوده است. نام خربس خود واژه ای است که در زبان پهلوی از آن می توان نشان یافت.

در فاصله ۱۰ کیلومتری غرب شهر قشم، خربز در میان کاسه ای وسیع قرار گرفته که اطراف آن را دایره وار تپه های کوتاه و بلند مرجانی پوشانیده اند. این ارتفاعات همگی مشرف به شهر است و شهر تا دریا فاصله کوتاهی دارد. در سمت راست، برکه یا آبدان بزرگی است که طاق گهواره ای آن نشان دهنده قدمت این بنا است که حداقل مربوط به دوره ساسانی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

در میان دشت خربس، وقتی رو به شمال بایستیم، آثار ساختمانی قلعه مخروطی‌ای از سنگ را می‌بینیم که احتمال می‌رود در دوران بعد (از صفویه به بعد) آن سنگ‌چین‌ها چندبار بازچینی شده و دوباره فروریخته باشد. در جلو همین قلعه، در فاصله‌ای نه چندان دور از غارهای خربس، گورستانی وسیع و قدیمی وجود دارد که هم گورهای پیش از اسلام و هم پس از اسلام در آن دیده می‌شود.

درست مشرف بر این گورستان، در دیواره صخره‌ها و در سینه کوه در ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ متر، چند دهانه به صورت غار مانند به چشم می‌خورد که به غارهای خربس شهرت دارند و درباره آنها سخنان بسیار گفته‌اند. این غارها که از پدیده‌های کهن زمین‌شناختی به شمار می‌روند، همراه با دیگر پدیده‌ها و کوه‌های جزیره قشم، دنباله چین‌خوردگی‌های رشته کوه‌های زاگرس هستند که در هزاره‌های گذشته از زیر آب سربرآورده‌اند. روشن است که این غارها در دوره‌های تمدنی بعد دچار دگرگونی و تغییرات دیگری شده‌اند.

غارهای خربس که از بیرون ساختار ساده و طبیعی و زمین‌شناختی خود را همچنان حفظ کرده‌اند از درون با مجموعه دهلیزها، تالارها و اتاق‌های متعدد به ابعاد ۵/۵ × ۴ متر و چشمه‌ها و روزن‌های گوناگونی که رو به شمال و جنوب دارند، مؤید حضور مردمانی از دوران‌های کهن در این جزیره هستند.

ساختار رازآمیز و تودرتوی غارهای خربس و قرار گرفتن آن بر بلندی کوه این عقیده را دامن زده که اینجا در روزگار مادها نیايشگاه مهر و محلی برای ستودن الهه میترا بوده است.

غارهای خربس را به لحاظ شکل و ساختار بادخمه‌های آذربایجان، کردستان، لرستان، بوشهر، اهواز و شوشتر مقایسه می‌کنند. غارهای خربس به ویژه از نظر فضاهای درونی شکل و طرح اولیه، خود را حفظ کرده و به همان صورت کهن خود باقی‌مانده است.

اما در جانب راست این غارها و در امتداد دیواره بلند و گسترده زیارتگاه شاه شهید، دهلیزها و دالان‌هایی نو به دست سنگتراشان هنرمند روزگار کنونی در دل کوه تراشیده شده تا به عنوان الگویی تازه، به شناسایی غارهای اصلی یاری رسانند. در درون این غارهای جدید و دهلیزها، نقش‌هایی با الهام از طرح‌های باستانی کنده شده که همگی از جلوه و نمودی باستانی و حالتی رمزگشوده و نمادین برخوردارند.

آنگونه که گفته شد، غارهای خربس را بعضی معبد مهری می‌پندارند، بعضی آن را استودان (جای نگهداری استخوان‌های مردگان پس از مرگ، در آیین زرتشت) می‌دانند و حدسی که قریب به یقین می‌تواند باشد، این است که این حفره‌های دست‌کنده در دل صخره‌ها اگر استودان (استخوان‌دان) دوره‌های پیش از اسلام نباشد، به‌طور مسلم پناهگاه‌هایی برای مردم بی‌دفاع بوده است که روزگاری در دشت هموار خربز زندگی می‌کرده‌اند و دزدان دریایی با یورش‌های خود امان آنها را بریده بودند و آنان به ناچار، این حفره‌های درهم را که از درون با یکدیگر مرتبط هستند، در دل این دیواره به صورت غارهای دست‌کنده به وجود آورده‌اند تا به هنگام احساس خطر بتوانند کودکان، زنان و پیرمردها را به درون غارها منزل دهند و خود به مقابله با دشمن غارتگر بپردازند.

این غارهای دست‌کنده، مجموعه‌ای از حفره‌هایی است که با راهروهای باریک به همدیگر راه دارند. در تالار مرکزی نیز که جای اجتماع بوده، دو تاقچه کوچک جاجرایی ساخته شده است. در پای دهانه این غارها برکه‌ای برای نگهداری آب باران وجود دارد که اکثر ایام سال (جز مواقع بی‌بارانی) آب دارد.

در روزگار کنونی بر فراز این غار، همیشه یک جفت عقاب ماهیگیر (که از انواع نادر و مرغوب عقاب‌های جهانند و در جزیره قشم خوشبختانه فراوانند) به چشم می‌خورند که در ارتفاعات صخره‌ای لانه دارند و تخم می‌گذارند.

نکته قابل توجه و تأمل در مورد غارهای خربز وجود خفاش‌های دم موشی است که بیشتر در زاویه‌های تاریک و بخش انبار ذخایر غار (حفره‌های زیرین) زندگی می‌کنند و مدام نیز مشغول زاد و ولد هستند. کارشناسان محیط زیست به علت کاربری سموم دفع آفات نباتی و عوارض دیگر، نسل این حیوان در جهان را در حال انقراض می‌دانند و این جای امیدواری است که فعلاً خفاش‌های دم موشی در غارهای خربس در امنیت کامل به سر می‌برند.

غارهای تاریخی خربس، از مکان‌های دیدنی برای گردشگرانی است که به بازدید جزیره قشم می‌آیند.

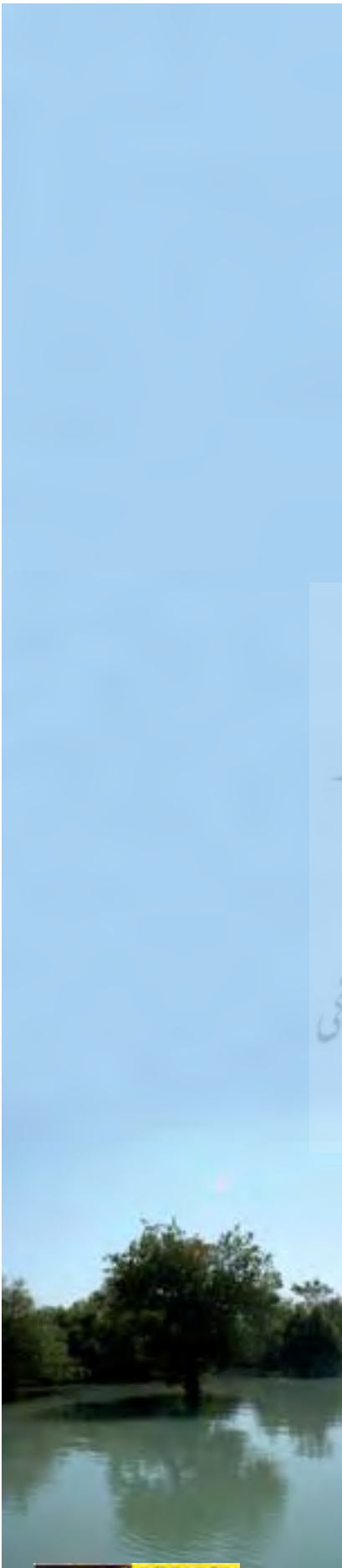
• کولغان

کولغ در زبان محلی به معنی چاله است که در زمین می‌کنند و در آن هیزم آتش می‌زنند و زغال به دست می‌آورند. این نام به چاله‌های سنگی دست‌کنده که برای جمع‌آوری و حفاظت آب باران کنده می‌شود نیز اطلاق می‌شود.

کولغان مجموعه‌ای است که در ارتفاع ۳۰ متری کوهی سنگی در کنار جاده و در ۳ کیلومتری شهر قشم قرار دارد. در تختگاه این کوه چندین حوض سنگی به شکل بیضی بسیار بزرگ در پیکره کوه به عمق ۲ تا ۳ متر کنده شده و نیز آبراهه‌ای به عمق و عرض ۴ متر و درازای تقریبی ۱۰۰ متر با کنده‌کاری و حجاری شکل گرفته است. آثار دیواره‌های ویران شده‌ای از لاشه و قلوه‌سنگ در عرصه مجموعه پراکنده شده، و پلکانی تراشیده شده در سنگ کوه در بالا دست وجود دارد که علاقه‌مندان کنجکاو میراث فرهنگی را به این تختگاه می‌رساند. در پندار و باور مردم قشم، این مجموعه به قبل از اسلام نسبت داده می‌شود و نمونه سفال‌های جمع‌آوری شده، شامل هر دو نمونه قبل و بعد از اسلام است.

• چاه‌های طلا (تل آو)

چاه‌های طلا عبارت است از چاه‌های کنده شده در بندر لافت که در سنگ شیبست کوه و در مکانی گود حفر شده‌اند و به مثابه «ارتزین» عمل می‌کنند که با توجه به اینکه آب آنها از باران و سرریز تل و صخره بالادست تأمین می‌شده است، «تل آو» نامیده شده‌اند و به مرور به «طلا» شهرت یافته‌اند. در حال حاضر تعداد چاه‌ها بیش از ۵۰ الی ۶۰ حلقه است که عموماً آب دارند، مگر آنها که از گل و لای انباشته شده و بایستی لای‌روبی شوند. چندین درخت کهور کهن، ساقه‌های پیچ در پیچ و گره خورده و قطور خود را درون سنگ فرو برده‌اند تا ریشه‌شان را به آب برسانند. مردم منطقه این چاه‌های آب و درختان را مقدس می‌شمارند و در کنار چاه‌ها و زیر سایه درختان قربانی می‌کنند و بر شاخه‌های کهن‌ترین درخت با پارچه‌های سبز دخیل بسته‌اند. مردم بومی معتقدند که این درخت‌ها حافظ و نگهبان آب چاه‌ها هستند و سرسبزی آنها نشان‌دهنده وجود آب شیرین در محل است. آب شیرین و زلال در سفره زیرزمینی و در سنگ شیبست جریان دارد که در گودی‌ها تا ۱۰ متر و در بلندی‌ها در عمق بیشتری به آب رسیده‌اند. مردم معتقدند که در قدیم تعداد چاه‌ها ۳۶۶ حلقه (طبق روزهای سال کیبسه) بوده که هر چاه به مصرف یک روز در طی سال می‌رسیده است.





----- واحدهای زیست محیطی -----

جزیره قشم و جزایر اطراف آن به سه واحد زیست محیطی عمده تقسیم شده است که شرح مختصر هر یک چنین است:

الف- مناطق خاکی
در مورد مناطق خاکی ۷ واحد عمده زیر شناسایی شده است:

- ۱- مناطق کوهستانی قشم شرقی
- ۲- مناطق کوهستانی قشم غربی
- ۳- کوه گنبدنمکی
- ۴- زمین‌های بایر
- ۵- مناطق عمده کشاورزی
- ۶- زمین‌های پست
- ۷- شوره‌زار

ب- مناطق جزر و مدی
جزر و مدهای جزیره به‌طور عمده روزانه هستند. تفاوت‌های جزر و مد در طول کرانه شمالی جزیره قشم، به علت جزر و مدهای باسعیدو و لافت، قابل توجه است. در طول کرانه جنوبی جزیره قشم، تفاوت جزر و مدی کمتر از جزر و مدهای کرانه شمالی است.

ج- محیط دریایی
در قسمت شمالی جزیره قشم امواج عموماً کوتاه

بوده و به وسیله باد تولید می‌شوند. در محیط دریایی جزیره قشم حدود ۱۱ گونه خرچنگ وجود دارد. یک بستر پرورش میگو نیز در قسمت شرقی تنگه خواران قرار دارد. آب‌های ساحلی جزیره قشم از ماهی غنی است. ماهیگیری از مشاغل مهم است و در دریا به‌صورت باز و یا کاربرد تورهای ثابت متداول است. لاک‌پشت سبز در آب‌های جزیره هنگام و لارک و همچنین در تنگه خواران در شرق لافت وجود دارد. ساحل شنی در شرق روستای کانی و همچنین در ساحل شیب‌دراز محل‌های مهم برای این گونه لاک‌پشت‌های دریایی است. دلفین بینی بطری هم از عمده پستانداران منطقه است در حالی‌که وال سفید (نهنگ) کمتر دیده شده است.

----- پوشش گیاهی قشم -----

اولین و مهم‌ترین جامعه گیاهی جزیره در جنگل دریایی حرا مشاهده می‌شود که گستره‌ای بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر مربع از مساحت جزیره را به خود اختصاص داده است. گیاهان قشم خشکی پسند و حرارت‌خواه بوده و نیاز به رطوبت زیاد در تابستان دارند و بیشتر به شکل درختچه‌های نیم‌بیابانی کوتاه قد قابل مشاهده هستند.

----- جنگل دریایی حرا -----

گونه حرا که نام علمی آن به حکیم و فیلسوف ایرانی ابوعلی سینا نسبت داده می‌شود، درختانی در اندازه های ۳ تا ۶ متر با شاخ و برگ سبز روشن هستند. حرا درختی آب شورزی است که هنگام مد آب دریا، تا گلوگاه در آب فرو می‌رود. با خاصیت تصفیه‌ای که در پوست این درخت وجود دارد، در حقیقت یک کارخانه آب شیرین کن طبیعی و خدادادی است.

در تنگه خوران، بین جزیره قشم و بخشی از استان هرمزگان (فاصله بین شمال جزیره قشم و بندر خمیر) جنگل دریایی حرا در گستره‌ای معادل ۲۰۰ کیلومتر مربع پدید آمده که از تنوع زیستی بالایی برخوردار است. جنگل حرا به دلیل مساعد بودن شرایط اکولوژی، زیستگاهی امن برای پرندگان مهاجر از مناطق گرمسیری همچون حواصیل بزرگ، اگرگت بزرگ، اگرگت ساحلی، حواصیل هندی، کفچه نوک تیز، سلیم خاکستری، گیلانشاه، کاکائی و... است. ناحیه جزر و مدی حرا زیستگاه مناسبی برای نرم تنان، سخت پوستان و ماهیان پدید آورده است که منبع غذایی مهمی برای ماهیان و پرندگان وحشی هستند. ارتباط میان تولید اولیه بوم سازگان (اکوسیستم) حرا و تولید ماهیان ارزشمند و صدف در دیگر نواحی حاره به خوبی مشخص شده است.

بستر مرطوب حرا، محل مناسبی برای پرورش مرغان ماهی خوار دریایی و به‌طور مشخص ماهی خوار دریایی سفید (اگرگت آلبا) به وجود آورده و از میان دیگر گونه‌ها، مرغ باران یا آبچلیک (کارادریده) در هنگام مهاجرت از میان این منطقه عبور می‌کنند. این سرزمین در زمستان زیستگاه مناسبی برای تغذیه آبچلیک‌ها و پلوه‌ها است. مناطق جزر و مدی حفاظت شده حرا به مثابه سرزمین استراحت و تغذیه پرندگان ماهی خوار و گونه‌های دیگری از پرندگان مهاجر است. دیدار از جنگل حرا خاطره‌ای به یاد ماندنی در اذهان دوستداران طبیعت، آب، هوا، درخت، پرندگان و سکوت باقی می‌گذارد.

----- درخت انجیر معابد -----

انجیر معابد، یا درخت سبزی یا درخت لول (یا لور) از رستنی‌های شگفت‌انگیز مناطق حاره، مخصوصاً جزایر خلیج فارس است که تاجی بزرگ با ریشه‌های هوایی متعدد دارد. میوه رسیده نارنجی رنگ این درخت مطبوع و خوراکی است. یکی از زیباترین این درختان لور در تم سینتی (منطقه توریان) قرار دارد که در نزدیکی آن بقعه‌ای دیدنی با طرح معماری کهن به نام زیارت پیر واقع شده است.

منابع:

- دانشنامه قشم
- پرونده مطالعات جنگلهای حرا
- وب سایت قشم آنلاین
- و با سپاس از: مهندس علی قمی اویلی

